

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بوده‌اند عده‌ای که سروصدا به راه‌پیمنداز تدا صدای انقلاب شنیده نشود و خیابان، عرصه‌ای برای آشوب‌طلبی آنها بوده است؛ منافقین، تجزیه‌طلب‌ها، سلطنت‌طلب‌ها و براندازان، هر کدام با پرچم و ادبیات مخصوص به خود، تلاش کردند مردم و افکار عمومی را با خود همراه کنند اما نتوانستند. به تعبیری آنان در فهم ملت ایران اشتباه کردند و به تعبیر دقیق‌تر، لگد خوردند.

ادعای ما درباره فهم نادرست دشمنان از مردم ایران، نیاز به بررسی و استدلال دارد؛ بررسی علمی و تاریخی که نشان دهد هرگاه دشمن خواسته با موج‌سواری بر مطالبات یا بر اثر بهانه‌ای، پروژه براندازی را پیش ببرد، با سد هوشیاری و وفاداری مردم به انقلاب روبه‌رو شده است. اگرچه در مقاطع مختلف، صدای اعتراض، فریاد خواسته‌ها و نارضایتی‌ها از سوی اقشار متعدد جامعه به گوش رسیده و اغلب این اعتراض‌ها به نتایج ملموسی هم منتهی شده اما هنگامی که دستان بیگانه و جریانات خارجی درصدد مداخله و تغییر ریل اعتراض‌ها برآمده‌اند، مسیر طبیعی مطالبات منحرف شده است. ماجرای هفت‌تپه از همین جنس است؛ اعتراضی کارگری و بحق که تا مدت‌ها زیر سایه رسانه‌های خارج‌نشین و گروه‌های وابسته دچار حاشیه‌سازی شد. این تجربه، محدود به یک مورد نیست. نمونه‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد چگونه اعتراض، در اثر پیوستن عناصر فرصت‌طلب یا معاند، از مسیر قانونی و اجتماعی خود خارج شده و به خشونت، رادیکالیسم یا اغتشاش کشیده شده است. بدیهی است نمی‌توان جنبشی را که سلاح به دست می‌گیرد یا اعتراضی را که به آتش زدن بانک و تخریب اموال عمومی می‌انجامد، با عنوان اعتراض مردمی برای اصلاح سیاسی شناسایی کرد.

در واقع، مطالعه علمی مدل‌های اعتراضی در ایران، نه فقط یک ضرورت پژوهشی، بلکه یک اقدام راهبردی برای آینده کشور است، چرا که دشمنان انقلاب اسلامی، در طول این سال‌ها بارها تلاش کرده‌اند با سوءاستفاده از بسترهای اجتماعی، پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی را به اجرا درآورند. اکنون نیز که برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب ززمه‌های تازه‌ای از مداخله مطرح می‌کنند، باید با دقت بیشتری به بررسی و تحلیل این اعتراضات پرداخت.

راهپیمایی ۸ مارس / ۱۶ اسفند ۱۳۵۷ درباره حجاب

- بهانه اعتراض:** اعلام اجبار به حجاب در ادارات دولتی توسط مسؤولان نظام جمهوری اسلامی
- حرقه اعتراض:** سخنرانی حضرت امام خمینی در ۱۴ اسفند مبنی بر اینکه «در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌ها آبی حجاب! بیایند زن‌ها بروند اما با حجاب باشند» که به سرعت در فضای بعد از انقلاب واکنش برانگیزت.
- بستر اعتراض:** هویتی -ایدئولوژیک؛ مساله زنان و حقوق آنها در جامعه
- جغرافیای اعتراض:** شهر تهران (مرکز) بویژه مقابل ساختمان نخست‌وزیری
- قشر معترض:** زنان روشنفکر، کارمند، فعال مدنی و سیاسی
- منصف معترض:** اصناف مشخصی نبودند اما طبیف‌های مختلف شغلی زنانه (کارمندان، پزشکان و دانشگاهیان) را دربر می‌گرفت.
- طبقه یا کارگزار معترض:** طبقه متوسط شهری، عمدتا تحصیلکرده
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** بدون رهبری رسمی؛ برخی زنان فعال. گفته شده در آن زمان افرادی مثل مهرانگیز کار، نوش‌آفرین انصاری، هما دارابی و دیگران در میان جمعیت دیده شدند اما این اظهارات چندان

- بهانه اعتراض:** مطالبه حقوق قومی و فرهنگی از سوی برخی گروه‌های محلی در استان‌های مرزی از جمله درخواست‌هایی درباره آموزش به زبان مادری و مدیریت محلی
- حرقه اعتراض:** شکل‌گیری شوراها و گروه‌های محلی در کردستان، خوزستان، ترکمن‌صحرا و سیستان‌بلوچستان؛ برخی موارد نیز با تحریک و دخالت عناصر تجزیه‌طلب و وابسته به خارج شدت گرفت.
- بستر اعتراض:** ترکیبی از زمینه‌های ایدئولوژیک - سیاسی و در برخی مناطق هویتی - اقتصادی
- جغرافیای اعتراض:** عمدتا در مناطق مرزی با تنوع قومی بویژه کردستان، خوزستان، آذربایجان غربی و گلستان (ترکمن‌صحرا)
- قشر معترض:** روشنفکران محلی و فعالان قومی
- منصف معترض:** مشخص و سراسری نبود.
- طبقه یا کارگزار معترض:** ترکیبی از طبقات متوسط تاروستاییان و عشایر
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** گروه‌هایی با سازماندهی نسبتا مستقل فعال بودند؛ مانند کومه، دم‌کرت، خلق عرب و... که با اهداف تجزیه‌طلبانه فعالیت می‌کردند.

اقدامات مجاهدین خلق (منافقین)؛ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

- بهانه اعتراض:** اختلاف عمیق سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و مخالفت با تصمیمات انقلاب بویژه پس از عزل بنی‌صدر
- حرقه اعتراض:** برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۶۰ و تصمیم سازمان مجاهدین برای آغاز مقابله علنی و مسلحانه با نظام
- بستر اعتراض:** سیاسی - ایدئولوژیک؛ ناشی از تعارض گفتمان سازمان منافقین با گفتمان جمهوری اسلامی ایران
- جغرافیای اعتراض:** عمدتا در تهران و برخی شهرهای بزرگ؛ با تمرکز ویژه بر مراکز سیاسی و دانشگاهی و محیط تجمع عمومی
- قشر معترض:** اعضا یا هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و حامیان بنی‌صدر
- منصف معترض:** اعضای تشکیلات سازمان مجاهدین خلق (منافقین)
- طبقه یا کارگزار معترض:** عمدتا طبقه متوسط شهری، دانشجویان و جوانان
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** رهبری مستقیم سازمان مجاهدین خلق،

رهبر معظم انقلاب اسلامی دی‌ماه سال گذشته در جمع مداحان فرمودند: «یک عنصر آمریکایی از مسؤولان آمریکایی، جزو گزافه‌گویی‌هایش یکی این است که می‌گوید: «هر کسی در ایران اغتشاش کند، ما کمکش می‌کنیم» مجموع حرفش این است: به‌این تصریح نمی‌کنند اما حرفش این است: در لافاچه بیان می‌کند اما کاملا روشن است که این را دارد می‌گوید. احمق‌ها بوی کباب شنیده‌اند! ملت ایران هر کسی را که مزدوری آمریکا را در این زمینه قبول کند، در زیر گام‌های محکم خود لگدمال خواهد کرد.» در پی این سخنان، نهادهای امنیتی و مسؤولان کشور نیز بارها در مواضع خود بر مقابله قاطع با فتنه‌گری و پروژه‌های نفوذ تأکید کرده‌اند. از جمله، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای نسبت به آمادگی کامل در برابر هرگونه فتنه‌جویی هشدار داد و اخیرا در جریان راهپیمایی روز قدس وزیر اطلاعات نیز اعلام کرد «ما از هیچ تهدیدی نمی‌ترسیم و به هر تهدیدی از سوی دشمنان پاسخ محکمی می‌دهیم» که این واکنش نیز در همین چارچوب استدلال شد.

ماجرأ آنگاه اهمیت بیشتری می‌یابد که رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر تصریح کردند: «تهدید می‌کنند که شرارت خواهند کرد، البته ما خیلی اطمینان نداریم و احتمال زیاد نمی‌دهیم که از بیرون شرارتی انجام بگیرد اما اگر شرارتی انجام بگیرد، قطعاً ضربه متقابل محکم خواهند خورد و اگر به فکر این باشند که در داخل کشور فتنه راه بیندازند، مثل بعضی سال‌های قبل که راه انداختند، جواب‌شان را خود ملت ایران خواهند داد، همچنان که در گذشته دادند.»

با این پیش‌زمینه، بررسی علمی اعتراضات اجتماعی در ایران - از سال ۱۳۵۷ تا امروز - می‌تواند تصویری روشن از ظرفیت‌های کنشگری اجتماعی، نقاط ضعف نفوذپذیری، نیز نحوه مواجهه با تهدیدهای بیرونی و داخلی ارائه دهد. در مطلب پیش‌رو تلاش شده با شاخص‌هایی مشخص از جمله «بهانه اعتراض»، «بستر اجتماعی»، «طبقات معترض»، «فقس رسانه‌ها»، «تحول در ادبیات اعتراضی» و «پیامدها»، تحلیل جامعی از مهم‌ترین اعتراضات ۴ دهه اخیر ارائه شود. هدف آن است با شناخت دقیق گذشته، محاسبات دشمن درباره مردم ایران اصلاح شود؛ ملتی که همواره نشان داده‌اند صدای خود را دارند اما فربص صدای دشمن را نمی‌خورند.

مستند اثبات نشده است.

- نوع کنش اعتراضی:** تجمع خیابانی، شعار دادن، راهپیمایی اعتراضی بدون خشونت
- مطالبات اصلی معترضان:** توقف اجبار حجاب، حق انتخاب در پوشش؛ شعارها به سمت سرنگونی یا تغییر ساختار سیاسی نرفت.
- روند رادیکال شدن مطالبات:** محدود، چون اعتراضات عمدتا دفاعی و حقوق‌محور بود، نه سیاسی و ساختارشکن.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های رسمی با بسیار کم‌توجه بودند یا موضع منفی داشتند؛ برخی رسانه‌های خارجی جریان اصلی این اعتراض را پوشش دادند.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** استفاده از شعارهایی مثل «آزادی زن، آزادی جامعه»، «روسی‌های شل و بی‌حجاب‌ها نماد اعتراض شدند.
- تداوم یا گسست:** این اعتراض در کوتاه‌مدت پایان یافت اما به صورت گفتمان زی‌پوستی ادامه یافت. برای نمونه برخی‌ها اقدام هما دارابی در دوم اسفند ۷۲ را مرتبط با این مساله می‌دانند.

درگیری‌های قومی؛ ۱۳۵۸ تا اوایل دهه ۶۰

- نوع کنش اعتراضی:** از راهپیمایی‌های محدود تا درگیری مسلحانه بویژه در کردستان و برخی مناطق خوزستان و گلستان
- مطالبات اصلی معترضان:** در مواردی محدود، مطالبه حقوق فرهنگی و محلی؛ عمدتا تلاش برای استقلال یا خودمختاری
- روند رادیکال شدن مطالبات:** در مناطق مختلف متفاوت بود اما اغلب به مطالبه مسلحانه یا تجزیه‌طلبانه رسید.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های رسمی روایت‌هایی امنیتی و سیاسی ارائه دادند و بر مقابله با گروه‌های مسلح و تجزیه‌طلب تأکید داشتند؛ رسانه‌های بیگانه تلاش کردند اعتراضات را به مطالبات مردمی تقلیل دهند و نقش عوامل خارجی را نادیده بگیرند.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** اغلب موارد شعارها و نمادها رنگ و بوی قومی و محلی داشت اما در نقاطی تحت‌تأثیر ایدئولوژی چپ یا جریان‌های خارجی نیز بود.
- تداوم یا گسست:** درگیری‌ها در دهه ۶۰ با اقدامات امنیتی، نظامی و سیاسی کنترل شد؛ برخی گفتمان‌های قومی با خروج از کشور ادامه فعالیت دادند.

- بهانه اعتراض:** بحران مسکن و ناتوانی دولت موقت در تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد؛ افزایش شدید تقاضا برای مسکن پس از انقلاب و مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی
- حرقه اعتراض:** خیزش مناطق حاشیه‌ای برای تصاحب خانه‌ها در پی روند کند بازسازی اقتصادی و گسترش بیکاری در دولت موقت به اشغال خانه‌ها و املاک توسط مردم منجر شد.
- بستر اعتراض:** اجتماعی و اقتصادی؛ ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی
- جغرافیای اعتراض:** عمدتا در مناطق شهری بزرگ، بویژه تهران و مشهد
- قشر معترض:** اقشار ضعیف اجتماعی، کارگران و طبقه فقیر شهری که در مناطق محروم معروف به «حلبی‌آباد» زندگی می‌کردند.
- منصف معترض:** خانواده‌های کم‌درآمد، کارگران ساختمانی و طبقات آسیب‌پذیر شهری
- طبقه یا کارگزار معترض:** حاشیه‌نشین‌ها، کارگران، مستأجران و طبقه متوسط ضعیف شهری
- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** در این اعتراضات، رهبری سازمان‌دهی‌شده وجود نداشت؛ بیشتر جنبشی خودجوش بود که توسط افراد محلی و گروه‌های اجتماعی خودسر رهبری می‌شد.

گذر از فتنه‌ها

اعتراضات اجتماعی و اشغال خانه‌ها؛ ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰

- نوع کنش اعتراضی:** اشغال خانه‌ها، تصرف املاک و تجمعات محلی در برابر نهادهای دولتی برای درخواست تخصیص مسکن
- مطالبات اصلی معترضان:** تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد و جلوگیری از افزایش اجاره‌بها
- روند رادیکال شدن مطالبات:** این اعتراضات به صورت خودجوش و پراکنده در محله‌های مختلف رخ داد اما بعد از مدتی به دلیل اشغال خانه‌ها دولت مجبور به برخورد سخت با معترضان شد.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی، این اعتراضات را به عنوان یک مشکل اقتصادی و اجتماعی ناشی از سیاست‌های پهلوی پوشش دادند. در رسانه‌های خارجی نیز این اعتراضات به عنوان نارضایتی عمومی از دولت انقلابی بازتاب یافت.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** در این اعتراضات بیشتر به مسائل اقتصادی و اجتماعی مانند «حق مسکن» تأکید می‌شد.
- تداوم یا گسست:** پس از مدتی، دولت برنامه‌هایی برای حل بحران مسکن از جمله ساخت پروژه‌های مسکونی جدید آغاز کرد و اعتراضات پایان یافت.

درگیری‌های دانشگاهی و انقلاب فرهنگی؛ ۱۳۵۹

- نقش چهره‌ها، گروه‌ها یا لیدرها:** برخی چهره‌های سیاسی و دانشجویی مانند اعضای سازمان‌های چپ‌گرا، همچنین برخی از شخصیت‌های دانشگاهی که لیبرال شناخته می‌شدند.
- نوع کنش اعتراضی:** اعتراضات دانشجویی، اشغال دانشگاه‌ها، تجمعات دانشجویی، اعتصابات و درگیری‌های فیزیکی با نیروهای امنیتی
- مطالبات اصلی معترضان:** مخالفت با انقلاب فرهنگی، ادعای حفظ استقلال دانشگاه‌ها و اعتراض به اخراج اساتید حامی پهلوی از دانشگاه‌ها
- روند رادیکال شدن مطالبات:** با گذشت زمان و تشدید فشارها به برخی چهره‌ها، مطالبات به سمت نقد مستقیم ایدئولوژی حاکم و درگیری‌های محدود پیش رفت.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های دولتی این اعتراضات را به عنوان یک مبارزه برای ایجاد دانشگاه‌های اسلامی پوشش دادند و در رسانه‌های غربی، این اعتراضات به عنوان مقاومت در برابر سانسور علمی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بازتاب یافت.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** شعارها و نمادهای این دوره عمدتا به آزادی‌های فردی و علمی مربوط می‌شد.
- تداوم یا گسست:** این اعتراضات پس از اعمال سیاست‌های دولت، نظیر اخراج اساتید حامی پهلوی تا حد زیادی خاموش شد. با این حال بحث پیرامون «انقلاب فرهنگی» تا سال‌ها ادامه داشت.

غائله کوی دانشگاه؛ ۱۸ تیر ۱۳۷۸

- نوع کنش اعتراضی:** درگیری‌های خیابانی، تجمعات دانشجویی، اشغال خوابگاه‌ها و دانشگاه‌ها بویژه اعتصابات دانشجویی
- مطالبات اصلی معترضان:** مطالبات دانشجویان عمدتا معطوف به آزادی‌های سیاسی و تغییر وضعیت آزادی‌های عمومی تحت تأثیر القابات و تحریکات سیاسی از درون مجموعه وزارت کشور دولت خاتمی بود.
- روند رادیکال شدن مطالبات:** اعتراضات ابتدا با خواسته‌هایی درباره فضای آزادتر دانشگاهی شروع شد اما به مطالبات درباره تغییر در نظام حکمرانی و سیاسی رسید و به درگیری‌های خشن منجر شد.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های داخلی این اعتراضات را تحت عنوان اعتراضات دانشجویی و نقد برخی سیاست‌ها منتشر کردند. در رسانه‌های خارجی، این اعتراضات به عنوان نشانه‌ای از نارضایتی گسترده در داخل کشور و مخالفت حاکمیت انعکاس یافت.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** در این اعتراضات، دانشجویان از شعارهای ساختارشکنانه و نقدهایی به قوانین اسلامی استفاده کردند.
- تداوم یا گسست:** این اعتراضات به طور مستقیم به حرکت‌های اجتماعی و سیاسی بعدی پیوند خورد و بسیاری از تشکل‌ها و گروه‌های دانشجویی و اصلاح‌طلب بویژه در انتخابات بعدی دوباره وارد میدان فتنه شدند.

فتنه ۸۸ (معروف به جنبش سبز)؛ انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸

- خیابانی، اعتصابات عمومی، شعارنویسی و سازمان‌دهی گسترده در شبکه‌های اجتماعی (خصوصاً فیس‌بوک و توئیتر) انجام شد. این اعتراضات با حضور در مکان‌های عمومی مانند میدان آزادی و دانشگاه‌ها همراه بود.
- مطالبات اصلی معترضان:** تغییر نتایج انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی و تغییر در ساختار حکومتی؛ در نهایت این فتنه به نوعی به سمت تغییر نظام جمهوری اسلامی و درخواست برای اصلاحات بنیادی در حکمرانی رفت.
- روند رادیکال شدن مطالبات:** اعتراضات ابتدا به بهانه تغییر در نتیجه انتخابات بود اما با گسترش اش اعتراضات و آغاز درگیری‌ها، مطالبات به سمت تغییر نظام و سرنگونی رسید.
- رسانه‌ها و روایت اعتراض:** رسانه‌های خارجی از جمله BBC، VOA و رسانه‌های اصلاح‌طلب داخلی این فتنه را به طور گسترده پوشش دادند و به نوعی شاهد آغاز لیدری رسانه‌های ضدانقلاب در این عرصه بودیم. در رسانه‌های داخلی ابتدا پوشش محدودی از اعتراضات شکل گرفت اما با افزایش خشونت‌ها، رسانه‌ها به موضوع اعتراضات پرداختند.
- تغییر در ادبیات و نمادهای اعتراض:** «رای من کو؟» و «نه غزه، نه لبنان، جالم فدای ایران» برجسته‌ترین شعارها بودند. همچنین استفاده گسترده از رنگ سبز به عنوان نماد جنبش سبز و ایجاد هویت جمعی برای معترضان از ویژگی‌های بارز این جنبش بود. در این سال شاهد حمایت مستقیم و بی‌واسطه رهبران و رؤسای جمهور کشورهای خارجی بویژه آمریکا و انگلیس از فتنه‌گران بودیم.
- تداوم یا گسست:** این اعتراضات پس از چند ماه فروکش کرد اما زمینه‌ساز تحولات سیاسی در سال‌های بعد شد. از جمله تأثیرات این جنبش، گسترش فعالیت‌های اصلاح‌طلبان به عنوان اپوزیسیون مخالف سیاست‌های نظام بود. از سوی دیگر پای تحریم‌های گسترده و مداخلات خارجی‌ها به واسطه احساس شکاف بین جامعه باز شد.

مروی بر فتنه‌های ۴۶ سال گذشته که جمهوری اسلامی با حضور و همراهی مردم از آنها عبور کرد

